Saba Scientific Journal, Volume 5, Issue 9, 2026, pp. 43-54

پژوهش نامه صبا
Biannual Journal of Saba

A Comparative Analysis of the Function of Social Symbolism in the Poetry of Mehdi Akhavan-Sales and Sohrab Sepehri

kianoush beyranvand [1*]

*1.*Department of PhD graduate of Persian language & literature, University of Qom, Qom, Iran.(Corresponding Author)*

ARTICLE INFO

Key Words:

Social symbolism,

Akhavan-e Sales,

Sohrab Sepehri,

cryptic language,

naturalism .

ABSTRACT

The movement of social symbolism in Persian literature stands as a significant current in contemporary poetry, defined by the dual characteristics of social engagement and symbolism. Nima Yooshij, the movement's founder and primary exponent, introduced the first example of this style with his poem "Ghoghnoos" (The Phoenix). As an aesthetic strategy, social symbolism has served as one of the most effective tools for contemporary Iranian poets to depict the prevailing socio-political climate. Adopting a comparative approach, this study analyzes the function of symbols in the poetry of Mehdi Akhavan-Sales and Sohrab Sepehri, illustrating how these two poets—despite their differing worldviews and linguistic styles—have harnessed the potential of symbolism to critique the status quo. The central focus of this paper is the examination of a dialectical contrast: while Akhavan-Sales employs mythological, historical, and epic symbols—such as winter, rubble, and ruins—to portray an atmosphere of social despair and political stagnation, Sepehri utilizes naturalistic and ontological symbols—such as water, light, and the garden—in pursuit of a utopia and a space for human liberation. The findings indicate that in Akhavan's poetry, symbols are predominantly socio-political in nature, serving to articulate the poet's anger and sorrow regarding tyranny and cultural decay; conversely, while Sepehri's symbolism contains social undertones, it is fundamentally philosophical and mystical, with his social critique manifesting not in the direct political arena, but rather through a return to human authenticity and nature.

***Corresponding Author:**
Email: *kian1968@gmail.com*

Article Address Published on the Journal Site:
https://saba.journals.miu.ac.ir/article_12616.html

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF AUTHORS	NATIONALITY OF AUTHOR
8	1	(Iran)

نشریه علمی صبا، دوره ۵، شماره ۹، سال ۱۴۰۵، صفحات ۴۳ تا ۵۴

پژوهش‌نامه صبا
Biannual Journal of Saba

تحلیل تطبیقی کارکرد سمبولیسم اجتماعی در شعر مهدی اخوان‌ثالث و سهراب سپهری

کیانوش بیرانوند [1*]

۱. * دانش آموختهٔ دکتری زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

اطلاعات مقاله

کلمات کلیدی:

سمبولیسم اجتماعی،

اخوان ثالث،

سهراب سپهری،

زبان رمزگونه،

طبیعت‌گرایی ،

چکیده

جریان سمبولیسم اجتماعی در ادبیات فارسی یکی از جریان‌های مهم شعر معاصر است که با تأکید بر دو ویژگی اصلی جامعه‌گرایی و نمادگرایی شکل گرفته است. بنیانگذار و نماینده اصلی این جریان، نیما یوشیج است که با شعر «ققنوس» نخستین نمونه این سبک را ارائه داد. نمادگرایی اجتماعی به مثابهٔ یک راهبرد زیبایی‌شناختی، یکی از کارآمدترین ابزارهای شاعران معاصر ایران برای بازنمایی فضای سیاسی-اجتماعی حاکم بر جامعه بوده است. این پژوهش با رویکردی تطبیقی، به واکاوی کارکرد نمادها در اشعار مهدی اخوان ثالث و سهراب سپهری می‌پردازد تا نشان دهد چگونه دو شاعر با جهان‌بینی و زبان متفاوت، از ظرفیت نماد برای نقد وضعیت موجود بهره برده‌اند. مسئلهٔ اصلی این نوشتار، بررسی این تضاد دیالکتیکی است که چگونه اخوان ثالث با تکیه بر نمادهای اسطوره‌ای، تاریخی و حماسی نظیر زمستان، آوار، ویرانه‌ها، فضایی از یأس اجتماعی و انجماد سیاسی را ترسیم می‌کند، در حالی که سهراب سپهری با بهره‌گیری از نمادهای طبیعت‌گرایانه و هستی‌شناختی نظیر آب، نور، باغ، در پی جست‌وجوی مدینه‌ای فاضله و فضایی برای رهایی انسان است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در اشعار اخوان، نمادها غالباً ماهیتی سیاسی-اجتماعی دارند و در خدمت بیان خشم و اندوه شاعر در برابر استبداد و انحطاط فرهنگی‌اند؛ در مقابل، نمادگرایی سپهری با وجود رگه‌های اجتماعی، ماهیتی فلسفی-عرفانی دارد و نقد اجتماعی او نه در ساحت مستقیم سیاسی، بلکه در ساحت بازگشت به اصالت انسانی و طبیعت صورت می‌پذیرد.

* نویسنده مسئول

Email: *kian1968@gmail.com*

نشانی مقاله در وب سایت:

https://saba.journals.miu.ac.ir/article_12616.html

تعداد منابع	تعداد نویسندگان	ملیت نویسنده
۸	۱	(ایران)

مقدمه

شعر معاصر ایران، به‌ویژه پس از ظهور نیما یوشیج، عرصه گذار از سنت‌های کهن و رویارویی با مفاهیمِ مدرنیته است. در این میان، یکی از مهم‌ترین تحولات فرمی و محتوایی، جایگزینی بیانیه‌های صریح سیاسی-اجتماعی (رایج در دوران مشروطه) با زبان رمزگونه و نمادین است. «شاعران معاصر، برای عبور از سد سانسور و نیز تعمیق اندیشه‌های اجتماعی خویش، به بازآفرینی نشانه‌ها و نمادها روی آوردند. در این گذار، مهدی اخوان‌ثالث و سهراب سپهری، به‌مثابه دو قطب متضاد اما مکمل در شعر معاصر، نمودارهای بارز این رویکرد هستند. اخوان با تکیه بر بسترهای تاریخی، حماسی و اسطوره‌ای، فضایی از یأس اجتماعی و انجماد سیاسی را به تصویر می‌کشد؛ در حالی که سپهری با بهره‌گیری از نمادهای طبیعت‌گرایانه و فلسفی، در جست‌وجوی گشودن دریچه‌هایی به رهایی و تعالی انسانی است.» (جلالی پندری، ۱۳۹۸: ۱۰۸) پژوهش حاضر بر آن است تا با رویکردی تطبیقی، نحوه کاربست این نمادها را در شعر این دو شاعر واکاوی کرده و نشان دهد که چگونه اجتماع در آیینه نمادین هر یک از آنان، صورتی متفاوت می‌یابد.

«نمادگرایی یا سمبولیسم اجتماعی از مهمترین رویکردهای شعر معاصر ایران به ویژه دهه‌های سی و چهل نسبت به مضامین سیاسی و اجتماعی است که به‌عنوان یک مکتب ادبی به همراه تصویرآفرینی و پرداخت شاعرانه، شیوه نمود در شعر را تغییر داد و مخاطب را با اندیشه نمادگرایانه شاعر آشنا کرد. شاعران جریان شعر سمبولیسم اجتماعی یا شعر رمزگرای جامعه گرا پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ با تعهد و احساس مسئولیت اجتماعی و با استفاده از نماد و زبان نمادین-به طور غیرمستقیم- به شرح رویدادهای سیاسی و اجتماعی آن دوران پرداختند.» (آرمیده و بیگدلی، ۱۳۹۵: ۱۱) نیما با تأثیرپذیری از سمبولیسم فرانسوی و مطالعات آثار آنان برخی از ویژگی‌های بارز سمبولیسم اروپایی را وارد شعر خود و ادبیات معاصر فارسی نمود.

این پژوهش تبیین می‌کند که اخوان ثالث و سهراب سپهری با فاصله گرفتن از صراحت بیان سیاسی دورهٔ مشروطه، به زبان رمزگونه روی آورده‌اند تا دغدغه‌های خود را به تجربه‌ای جمعی تبدیل کنند. در نهایت، این مقاله نتیجه می‌گیرد که تفاوت نمادگرایی این دو شاعر، بازتاب‌دهندهٔ دو واکنش متفاوت به مدرنیته است: اخوان با سوگواری بر سنت و تاریخ، و سپهری با جست‌وجوی رهایی در افقی فراتاریخی.

۱. هدف و ضرورت انجام پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، تبیین جایگاه نماد در نظام زیبایی‌شناختی اخوان و سپهری و سنجش کارکرد اجتماعی آن است. اهداف جزئی عبارتند از:

تحلیل چگونگی تبدیل مفاهیم انتزاعی اجتماعی به نمادهای ملموس در اشعار اخوان و سپهری.

بررسی تفاوت خاستگاه نمادها در شعر اخوان (تاریخ‌گرایی و نوستالژی شکوه از دست‌رفته) در مقایسه با سپهری (طبیعت‌گرایی و شهود هستی‌شناختی).

استخراج مؤلفه‌های مشترک و متمایز اجتماعی در نمادهای دو شاعر و چگونگی بازتاب تعهد در آثار آنان.

واکاوی نسبت میان فرومایه (مخاطب/جامعه) و زبان نمادین در شعر این دو شاعر.

ضرورت این پژوهش را می‌توان در سه محور اساسی تبیین کرد:

اگرچه مقالات متعددی به صورت جداگانه به نقد آثار اخوان و سپهری پرداخته‌اند، اما فقدان نگاهی تطبیقی که مشخصاً بر کارکرد اجتماعی نمادها در این دو کارنامه متمرکز باشد، محسوس است. این پژوهش می‌تواند به درک دقیق‌تر از طیف متنوع شعر متعهد در ایران معاصر کمک کند. این پژوهش ضرورت دارد تا کلیشه موجود در نقد ادبی ایران را که شعر اجتماعی را صرفاً در تقابل با شعر عرفانی/فلسفی می‌بیند، به چالش بکشد. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه نمادهای سپهری (ظاهراً غیرسیاسی) و نمادهای اخوان (به‌طور صریح سیاسی)، هر دو در بطن خود واجد دغدغه‌های عمیق اجتماعی هستند.

بررسی عملکرد این دو شاعر نشان می‌دهد که چگونه یک نظام نمادین می‌تواند از یک‌سو به سوگنامه تاریخی (اخوان) و از سوی دیگر به منشور رهایی (سپهری) تبدیل شود؛ این تبیین، درک ما را از امکانات بیانی شعر فارسی برای بازنمایی بحران‌های معاصر افزایش می‌دهد.

۲. پیشینهٔ پژوهش

بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد که آثار مهدی اخوان‌ثالث و سهراب سپهری به‌عنوان دو رکن شعر معاصر ایران، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران بوده‌اند. با این‌حال، نوع نگاه منتقدان به این دو شاعر، متأثر از جهان‌بینی متفاوت آنان، در دو مسیر متمایز حرکت کرده است.

پژوهش‌های متعددی به واکاوی نمادهای اجتماعی در شعر اخوان پرداخته‌اند. اکثر پژوهش‌ها با تأکید بر بن‌مایه‌های حماسی، به نقش «زمستان» به مثابه نمادی از فضای خفقان سیاسی دهه ۳۰ اشاره شده است. همچنین با تمرکز بر مؤلفه‌های اسطوره‌ای، کارکرد تکرار و آرکیتایپ‌ها را در بازتاب یأس تاریخی جامعهٔ ایران تحلیل کرده‌اند. در این دسته از پژوهش‌ها، تمرکز اصلی بر پیوند میان تاریخ‌گرایی و سیاست در نظام نمادین اخوان بوده است.

در مقابل، عمده مقالات مرتبط با سهراب سپهری، بر جنبه‌های طبیعت‌گرایی و عرفان شرقی متمرکز بوده‌اند. اکثر پژوهش‌ها در تحلیل اشعار او، نمادهایی همچون آب، نور و سفر را از منظر فلسفه وجودی بررسی شده است. همچنین چند پژوهش دیگر نمادگرایی سپهری را گریز از واقعیت

اجتماعی و پناه بردن به مدینهٔ فاضلهٔ شهودی دانسته‌اند. در این مطالعات، وجه اجتماعی نمادهای سپهری اغلب تحت‌الشعاع وجوه هستی‌شناختی و غنایی اثر قرار گرفته است.

بنابراین، آنچه پژوهش حاضر را از سایر مطالعات متمایز می‌کند، تمرکز صریح و تطبیقی بر کارکرد نماد به‌عنوان زبان جایگزین امر اجتماعی در آثارِ این دو شاعر است. در حالی که پژوهش‌هایِ پیشین غالباً نمادهای اخوان را سیاسی و نمادهای سپهری را فرااجتماعی انگاشته‌اند، این پژوهش با نگاهی دیالکتیکی، در پی اثبات این فرضیه است که نمادگرایی هر دو شاعر، در نهایت، کنش اجتماعی است؛ منتها یکی از طریق بازخوانی تاریخ و دیگری از طریق بازسازی اخلاق فردی. این مطالعه با پر کردن این خلأ پژوهشی، الگوی جدیدی از تحلیل شعر متعهد معاصر ارائه می‌دهد.

۳. بحث و بررسی

جریان سمبولیسم اجتماعی در ادبیات فارسی یکی از جریان‌های مهم شعر معاصر است که با تأکید بر دو ویژگی اصلی جامعه‌گرایی و نمادگرایی شکل گرفته است. بنیانگذار و نماینده اصلی این جریان، نیما یوشیج است که با شعر «ققنوس» نخستین نمونه این سبک را ارائه داد.

۱-۳. ویژگی‌های اصلی جریان سمبولیسم اجتماعی

«استفاده از زبان سمبلیک و نمادین با قابلیت تأویل چندگانه که برای بیان مسائل سیاسی، اجتماعی و انسانی زمانه به کار می‌رود. این زبان معمولا پیچیده و مبهم است تا خواننده را به تفکر وا دارد و چندین سطح معنا را منتقل کند.» (دستغیب، ۱۳۹۳: ٤٧)

الف) جامعه‌گرایی عمیق؛ شاعران این جریان خود را متعهد و مسؤول نسبت به مسائل اجتماعی، سیاسی و آرمان‌های انسانی می‌دانند و شعرشان پیامی تعهدآمیز و متعهدانه درباره واقعیت‌های جامعه دارد.

ب) ترکیب عاطفه و تخیل با تأکید بر اندیشه و تفکر؛ شعر این جریان هم به احساسات خواننده پاسخ می‌دهد و هم بر آگاهی و تأمل او تأکید دارد.

ج) بهره‌گیری از زبان و شیوه بیان حماسی همراه با مضامین فلسفی و روشن‌بینانه که به هدف ارتقای ادراک و بینش هنری و اجتماعی سروده می‌شود.

د) این جریان نوعی شعر نیمایی است که رویکرد رئالیسم و واقع‌گرایی دارد و برخلاف سمبولیسم اروپایی که بیشتر ایدئالیستی بود، به مسائل عینی و اجتماعی می‌پردازد.

در کل، سمبولیسم اجتماعی جریان شعری متعهد و فلسفی است که از زبان نمادین برای انعکاس درد، آرمان‌ها و دغدغه‌های اجتماعی بهره می‌گیرد و سعی در برانگیختن آگاهی و تحول در جامعه دارد.

۱-۱-۳. نمونه‌های برجسته سمبولیسم اجتماعی در شعر نیما

نیما یوشیج بیشتر در قالب اشعاری با نمادهای قوی و پرمغز دیده می‌شوند که ضمن بیان مضمون اجتماعی، از زبان سمبلیک بهره می‌گیرند. برخی از آثار برجسته عبارتند از:

«شعر ققنوس: یکی از ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین اشعار سمبولیک نیما که پرنده ققنوس نماد آرمان، رهایی، و تجدید حیات اجتماعی-ملی است. شعر تلفیقی است از نمادهای اسطوره‌ای با دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی روزگار نیما.

شعر «آی آدم‌ها»: شعری آزاد با نمادهایی مانند دریای تیره و موج‌های سهمگین که نمایانگر وضعیت بحرانی جامعه و رنج انسان‌هاست. در این شعر نیما به نقد جامعه بی‌اعتنا و سرگشته پرداخته و نمادهای نمادین را برای انتقال پیام اجتماعی به کار برده است. استفاده مکرر از نمادهای طبیعی و انسانی همچون باد، دریا، پرندگان، و انسان‌هایی که نماد وضعیت اجتماعی و سیاسی جامعه‌اند. برای مثال، باد در اشعار نیما نماد فضایی استبدادی و خفقان‌آور، و دریا مظهر بیکرانگی و پویایی نیروهای اجتماعی و انسانی است.» (دستغیب، ۱۳۹۳: ۵۸)

نمادهای انسانی در اشعار او بازتاب‌دهنده تجارب اجتماعی واقعی و انتقاد از بی‌عدالتی و نابرابری‌اند. نیما با ساختن این نمادها در اشعار خود به بیان موضوعات اجتماعی-انسانی می‌پردازد. در مجموع، نیما یوشیج با بهره‌گیری از نمادهای اسطوره‌ای، طبیعی و انسانی در قالب زبان سمبولیک اجتماعی، آینه تمام‌نمای دردها، امیدها و آرمان‌های جامعه ایرانی زمان خود بوده است و آثارش نمونه ممتاز جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر فارسی به شمار می‌روند.

٤. مهدی اخوان ثالث

جریان سمبولیسم در اشعار مهدی اخوان ثالث به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جریان‌های ادبی معاصر ایران شناخته می‌شود که ویژگی‌های کلیدی آن عبارتند از:

استفاده از زبان سمبلیک و نمادین: «اخوان ثالث با به‌کارگیری نمادها، رمزها و بیان غیرمستقیم مسائل اجتماعی و سیاسی، شعرهایی می‌سراید که فقط مضامین فردی را منتقل نمی‌کند بلکه حامل پیام‌های اجتماعی و انسانی گسترده است. این زبان سمبلیک شعری با چندلایه معانی پدید می‌آورد که خواننده را به تأویل و تفکر وا می‌دارد.

جامعه‌گرایی و تعهد اجتماعی: برخلاف برخی اشعار سمبولیسم اروپایی که مبتنی بر تصورات ایده‌آل‌گرایانه است، سمبولیسم اجتماعی اخوان ثالث بر مسائل عینی و مشکلات اجتماعی زمان خود تأکید دارد. شعر او انتقادی اجتماعی از ظلم، استبداد، بی‌عدالتی و رکود سیاسی است.» (خاتمی، ۱۳۹۶: ۴۱)

تأثیرپذیری از تاریخ و اسطوره: اخوان از نمادهایی بهره می‌برد که ریشه در اسطوره‌ها و تاریخ ایران دارند و این نمادها را در بستر شعر روزمره و اجتماعی به کار می‌گیرد تا عمق محتوایی شعر خود را افزایش دهد و پیوندی بین گذشته و حال ایجاد کند.

استفاده از ضدنمادها و تضادها: اخوان ثالث در اشعار خود به‌طور هوشمندانه از تضادها و نمادهای دوگانه استفاده می‌کند؛ مثلاً شب به معنای ظلمت و بی‌عدالتی و آتش به معنای بیداری یا ممکن است نماد سرکوب و قیام باشند که در ایجاد فضای شاعرانه و اجتماعی مؤثر است.

شعر او در دوره‌های مختلف مسئله‌محور بوده و مخصوصاً در دهه ۳۰ و ۴۰ خورشیدی، به زبان سمبلیک و نمادین، اعتراض اجتماعی و سیاسی خود را بیان کرده و بازتاب‌دهنده فضای سیاسی و اجتماعی ایران معاصر است. نمونه‌هایی از اشعار سمبولیک اخوان ثالث عبارتند از «زمستان»، «باغ من»، و «قاصد» که هر یک با نمادها و زبان پیچیده، بازتاب‌دهنده مسائل اجتماعی، سیاسی و انسانی زمان خویش هستند. در کل، جریان سمبولیسم در شعر اخوان ثالث نمادی از زبان پیچیده، گزیده و اجتماعی است که برای بیان دغدغه‌های انسانی و سیاسی به کار گرفته شده و شعر او را از شعر ساده اجتماعی جدا و در مرتبه‌ای عمیق‌تر قرار می‌دهد.

«زمستان»

سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت — سرها در گریبان است
کسی سر بر نیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را — نگه جز پیش پا را دید نتواند
که ره تاریک و لغزان است — و گر دست محبّت سوی کَسی یازی
به اکراه آورد دست از بغل بیرون — که سرما سخت سوزان است
نفس، کز گرمگاه سینه می‌آید برون، ابری شود تاریک — چو دیوار ایستد در پیش چشمانت.
نفس کاین است، پس دیگر چه داری چشم — ز چشم دوستان دور یا نزدیک؟
مسیحای جوانمرد من! ای ترسای پیر پیرهن‌چرکین! — هوا بس ناجوانمردانه سرد است...
آی دمت گرم و سرت خوش باد! — سلامم را تو پاسخ‌گوی، در بگشای!

٤-١. تحلیل زبان‌شناختی

زبان شعر ترکیبی از زبان کهن و زبان محاوره است؛ اخوان با گزینش عبارات آرکائیک مانند «سر بر نیارد کرد» و «دست محبت یازی» به همراه ترکیبات امروزی و محاوره‌ای چون «دمت گرم» زبان ویژه خود را ساخته است. این زبان آکنده از تضادها و ترکیباتی است که تازگی و بداعت به شعر می‌دهد. واژگان بار معنایی شدیداً منفی و هنجارشکن دارند؛ کلماتی که حس ناخوشایند و یأس آور

را القا می‌کنند و فضای کلی شعری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. واژگانی مانند «پیرهن چرکین»، «دندان»، «نفس»، «سوزان» و «زمستان» علاوه بر بار معنایی، نقش تصویرسازی قوی ایفا می‌کنند.

استفاده از شخصی‌سازی و انسان‌واره‌سازی در توصیف عناصر طبیعت به کار رفته است، مانند «زمین دلمرده» و «نفس که از گرمگاه سینه می‌آید» که به زبان شعری عمق عاطفی و معنایی می‌بخشد.

٤-۲. تحلیل سبک‌شناختی

شعر در قالب نیمایی و وزن مفاعیلن سروده شده و از قافیه‌های داخلی و بیرونی برخوردار است که به موسیقی و آهنگ شعر کمک می‌کند و آن را یکپارچه و جذاب می‌کند.

زبان تمثیلی و سمبلیک شعر نمود بارزی دارد؛ «زمستان» نماد شرایط خفقان، سرما، ظلمت و اختناق سیاسی آن زمان است. همه عناصر طبیعی نماد حقایق اجتماعی و سیاسی هستند و در لایه دوم معنا، معناهای انتزاعی و انتقادی را منتقل می‌کنند.

ساختار شعری روایی است و شاعر با زبان اول شخص، درد و رنج اجتماعی خود را بیان می‌کند، از سکوت و انفعال جامعه گلایه می‌کند و به دنبال امید و رهایی است.

ریتم و موسیقی شعری به کمک تکرار صداها و واج‌آرایی‌ها افزایش یافته است؛ نمونه‌هایی مثل تکرار حرف «پ» در «پیر پیرهن چرکین» و «س» در «سیلی سرد زمستان» به جاری شدن موسیقی کمک کرده‌اند. سرودهٔ «زمستان» اخوان ثالث با زبان ترکیبی از کهن و نو، واژگان باردار منفی و تصویرسازی‌های قوی زبان‌شناسانه، و سبک نیمایی با موسیقی آهنگین و زبان سمبلیک اجتماعی، تصویری ناب از دوران خفقان و ظلمت ارائه می‌دهد. این شعر از لحاظ ساختاری و معنایی پیچیده و چندلایه است و از زبان نمادین برای بیان کنش اجتماعی و سیاسی بهره می‌برد.

۵. سهراب سپهری

«سهراب سپهری را یکی از شاعران متعهد به مسائل اجتماعی و انسانی معاصر ایران می‌دانند که با زبان نمادین و سمبلیک به انعکاس دغدغه‌های اجتماعی، سیاسی و فلسفی زمانه خود پرداخته است. او در دوره‌ای که به دلیل سانسور و فضای سیاسی بسته امکان اعتراض مستقیم وجود نداشت، با بهره‌گیری از سمبولیسم، کنایه و نمادپردازی و زبان غیرمستقیم، پیام‌های بشردوستانه، اعتراض به وضع موجود و امید به آرمانشهر را منتقل کرده است.» (دلاویز، ۱۳۹۳: ۳۷)

«در اشعار سپهری، نمادها و تصاویر شاعرانه تجلی مفاهیم اجتماعی و انسانی هستند؛ مانند طبیعت که نمادی از زندگی، رشد، تحول و مقاومت است و گاه استعاره‌ای از جامعه انسانی و وضع سیاسی است. نمادهای او با فلسفه‌های عرفانی و معنوی آمیخته‌اند و از این‌رو اشعار او، با ظرافت و

عمق خاص، مسائل اجتماعی را در بستر نگاه انسانی و جهان‌بینی گسترده‌تری بازتاب می‌دهد.» (زنده دل و غیبی، ۱۳۹۹: ٦٤) به عبارت دیگر، سمبولیسم اجتماعی در شعر سپهری شامل بازتاب دغدغه‌های زمانه به شکل نمادین است که جنبه انسانی، آرمان‌خواهانه و امیدبخش دارد و مخاطب را به تأمل دعوت می‌کند تا وضعیت اجتماعی را فراتر از ظاهر آن درک کند. این سمبولیسم در قالب زبان شاعرانه ناب و تصاویر طبیعی و عرفانی ظهور می‌یابد که نشان‌دهنده تعهد شاعر به جامعه و انسان است در شرایطی که بیان مستقیم دشوار بوده است.

اهل کاشانم روزگارم بد نیست ...

اهل کاشانم.

روزگارم بد نیست.

تکه نانی دارم، خرده هوشی، سر سوزن ذوقی.

مادری دارم، بهتر از برگ درخت.

دوستانی، بهتر از آب روان.

و خدایی که در این نزدیکی است:

لای این شب بوها، پای آن کاج بلند.

روی آگاهی آب، روی قانون گیاه.

من مسلمانم. قبله‌ام یك گل سرخ.

جانمازم چشمه، مهرم نور.

دشت سجادهٔ من. من وضو با تپش پنجره‌ها می‌گیرم.

در نمازم جریان دارد ماه، جریان دارد طیف.

سنگ از پشت نمازم پیداست:

همه ذرات نمازم متبلور شده است.

من نمازم را وقتی می‌خوانم

که اذانش را باد، گفته باشد سر گلدستهٔ سرو.

من نمازم را، پی «تکبیرة الاحرام» علف می‌خوانم،

پی «قد قامت» موج.

کعبه‌ام بر لب آب

کعبه‌ام زیر اقاقی‌هاست.

کعبه‌ام مثل نسیم، می‌رود باغ به باغ، می‌رود شهر به شهر.
«حجر الاسود» من روشنی باغچه است.
اهل کاشانم پیشه‌ام نقاشی است:
گاه گاهی قفسی می‌سازم با رنگ، می‌فروشم به شما
تا به آواز شقایق که در آن زندانی است
دل تنهایی تان تازه شود.
چه خیالی ، چه خیالی، ... می دانم
پرده ام بی جان است.
خوب می دانم ، حوض نقاشی من بی ماهی است.
نسبم شاید برسد
به گیاهی در هند، به سفالینه‌ای از خاك «سیلك».
نسبم شاید، به زنی فاحشه در شهر بخارا برسد.
پدرم پشت دو بار آمدن چلچله‌ها، پشت دو برف،
پدرم پشت دو خوابیدن در مهتابی،
پدرم پشت زمان ها مرده است.
پدرم وقتی مرد ، آسمان آبی بود... .

۵-۱. تحلیل زبان‌شناختی

زبان شعر ترکیبی است از زبان محاوره‌ای ساده با تعدادی عناصر باستان گرایانه و ساختارهای پیچیده که به تعادل میان سادگی بیان و غنای معنایی کمک می‌کند. کلمات و عبارات انتخاب شده دارای بار معنایی دقیق و استعاری هستند، مثل «سر سوزن ذوقی» و «مادری بهتر از برگ درخت» که بار عاطفی و تصویری قوی دارند. استفاده از تصاویر زنده و ترکیبات مجازی مثل «قفسی بی در که در آن روشنایی پرپر می‌زند»، «آب بی فلسفه می‌خوردم» و «باغ ما نقطه برخورد نگاه و قفس و آیینه بود» به غنا و عمق معنایی شعر می‌افزاید. ساختار جمله‌ها ساده و گاهی تک‌جمله‌ای است که به پویایی و جریان طبیعی زبان نزدیک است، اما گاه درون‌مایه‌های فلسفی و مفهوم‌گرایی پیچیده را در خود جای می‌دهد.

۵-۲. تحلیل سبک‌شناختی

سبک شعری سپهری ویژگی‌هایی چون زبان تصویری و استعاری، نگرش عرفانی، و تلفیق طبیعت و زندگی روزمره را داراست که در این شعر به شکل برجسته دیده می‌شود. غزل یا شعر آزاد نیست، بلکه

نوعی شعر نو با دوری از قوالب رسمی کلاسیک است که به زبان طبیعی و نغز نزدیک‌تر است و بر مبنای موسیقی درونی و تصاویر ذهنی شکل گرفته است.

علاوه بر توجه به طبیعت و انسان، شعر دارای لایه‌های متعدد معنایی است که خواننده را به تعمق در مفاهیم زندگی، زمان، محیط و انسان دعوت می‌کند. زبان شاعرانه، حکایتگر نوع خاصی از حس تعلق به سرزمین و گذشته و در عین حال نقدی فرهنگی و اجتماعی زیرپوستی است که از راه نمادها و تصاویر ظریف منتقل شده است. «این شعر با زبان ساده و در عین حال شاعرانه و پربار معنایی، تلفیقی است از زبان محاوره‌ای، نشانه‌ها و تصاویر نمادین و زبان فلسفی عرفانی. شاعر با این زبان و سبک توانسته تجربیات انسانی، خاطرات و تعلق فرهنگی را با نگرش جامعه‌شناسانه و عرفانی پیوند دهد و شکلی نو به غزل معاصر بدهد.» (زنده دل و غیبی، ۱۳۹۹: ۷۸)

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی نسبت میان جریان نمادگرایی اجتماعی و جهان‌بینی دو شاعر برجسته معاصر، مهدی اخوان‌ثالث و سهراب سپهری، انجام شد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه هر دو شاعر برای عبور از زبان صریح سیاسی و فرار از قیود سانسور، به نمادگرایی روی آورده‌اند، اما خاستگاه این نمادها و کارکرد اجتماعی آن‌ها تفاوتی بنیادین دارد. نمادگرایی در شعر اخوان‌ثالث، ریشه در نوستالژی تاریخی و سوگ مدنی دارد. او با بهره‌گیری از نمادهایِ کهن‌الگویی و اسطوره‌ای همچون زمستان، ویرانه‌ها و دشت‌های خاموش، فضایی از انجماد سیاسی و یأس اجتماعی را ترسیم می‌کند که در آن، مخاطب نه با یک تصویرِ انتزاعی، بلکه با بازتابی از دردهای انباشته تاریخی یک ملت مواجه است. در نظام نمادین اخوان، نماد کارکردی آینه‌گون دارد؛ یعنی وضعیت اسف‌بار جامعه را در هیئتی حماسی و سوگوارانه منعکس می‌کند تا مخاطب را به تأمل و کنش درونی فراخواند.

در مقابل، نمادگرایی سپهری در بستری از فلسفه و طبیعت‌گرایی شکل می‌گیرد. او با بهره‌گیری از عناصر طبیعی مانند آب، نور، باغ و سفر، نه در پی سوگواری بر گذشته، بلکه در پی پالایش سوژه از بندهای دنیای مدرن و بازگشت به اصالت انسانی است. نقد اجتماعی در شعر سپهری، نقدی درونی است؛ او به جای پرداختن به ساختارهای سیاسی، بر آگاهی فردی و تغییر نگاه انسان به جهان تمرکز می‌کند. در واقع، نماد در شعر سپهری کارکردی پنجره‌گون دارد که مخاطب را از تنگناهای واقعیت روزمره به افق‌های رهایی و تعالی هستی‌شناختی هدایت می‌کند.

در نهایت، این پژوهش نتیجه می‌گیرد که تعهد اجتماعی در شعر معاصر ایران، مفهومی تک‌ساحتی نیست؛ بلکه در طیفی از نقد سیاسی و تاریخی (اخوان) تا اصلاح اخلاقی و شهودی فرد

(سپهری) در نوسان است. اخوان‌ثالث با توسل به نمادهای تاریخی، به دنبال بازخوانی هویت جمعی در دوران شکست است، در حالی که سهراب سپهری با نمادهای فراتاریخی، در پی یافتن مدینه‌ای فاضله در میانه هیاهوی دنیای مدرن است. این دو رویکرد، در کنار یکدیگر، نشان‌دهندهٔ بلوغ بیانی شعر فارسی هستند که توانسته است با تکیه بر رمزگانی‌کردن زبان، بستری عمیق برای واکاوی دغدغه‌های انسان ایرانی در گذار از سنت به مدرنیته فراهم آورد.

فهرست منابع

آرمیده، فریده و بیگدلی، نسرین (۱۳۹۵)، «سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر فارسی»، همایش بین المللی شرق شناسی و مطالعات ایرانی، دورهٔ دوم.

جلالی پندری، یدالله (۱۳۹۸)، مهدی اخوان ثالث؛ نقد و بررسی شعر معاصر، تهران: مروارید.

حاجی رحیمی، فاطمه و شهریاری، حسن (۱۳۹۸)، «بررسی اندیشه‌های تلفیقی در آثار مهدی اخوان ثالث»، فصلنامهٔ بهارستان سخن، سال ۱۶، شمارهٔ ۴۶، صص ۹۱-۱۰۷.

خاتمی، احمد (۱۳۹۶)، نگاهی به ادبیات معاصر ایران، تهران: علم.

دستغیب، عبدالله (۱۳۹۳)، شاعر شکست؛ نقد و تحلیل شعر مهدی اخوان ثالث، تهران: آمیتیس.

دلاویز، مسعود (۱۳۹۰)، سمبولیسم اجتماعی، اصول و شکل‌های آن در شعر معاصر فارسی، کتاب ماه ادبیات، سال پنجم، شمارهٔ ۵۸، پیاپی ۱۷۲.

زنده دل، مهین و غیبی، محمودرضا (۱۳۹۹)، «بررسی سبک شناختی اشعار مهدی اخوان ثالث»، مجلهٔ نقد، تحلیل و زیبایی شناسی متون ، شمارهٔ ۴، دورهٔ ۳.

میرناصری، معصومه، ذبیحی، رحمان (۱۴۰۴)، «بررسی و تحلیل اسکاز در اشعار روایی مهدی اخوان ثالث»، نشریهٔ ادبیات و پژوهش‌های میان رشته‌ای، دورهٔ ۷، شمارهٔ ۱۳.